

نقاش‌ها  
همیشه  
پول  
دوست  
داشته‌اند

از آبرشت دور  
تا دمین هرست



جو دیت بن هامو- هوئه  
ترجمه‌ی لیلی گلستان

## فهرست

۹	پیش‌گفتار
۱۵	دورر / مردی که بلد بود آثارش را بفروشد
۲۵	کراناخ / مردی که از سایه‌اش هم تندتر نقاشی می‌کرد
۳۵	ال‌گرکو / فروشنده‌ی معبد
۴۷	تیسین / زیر باران طلایی دانانه
۶۰	روبنس / دیپلمات، تاجر و بالاخره نقاش
۷۱	رامبرانت / پسر طلایی عصر طلایی
۸۱	کانالتو / سردار صادرات
۹۲	شاردن / مردی که دوست داشت خودش را تکرار کند
۹۹	گوستاو کوربه / سلطان کسب‌وکار هنر
۱۰۷	کلود مونه / در کسب‌وکار هرگز امپرسیونیسم وجود ندارد
۱۱۸	ونسان ون‌گوگ / موفقیت برآمده از بداقبالی
۱۲۵	پیکاسو / یک سکه‌زن واقعی
۱۳۸	مگریت / وسواسِ کپی‌کردن ... آثار خودش
۱۵۵	پی‌نوشت‌ها
۱۶۰	نمایه

## پیش گفتار

«شگفتی آور است وقتی می بینی هنرمندی هستی که کارت گرفته، یعنی مثل کیمیاگری که طلا می سازد، می دانی که در دو ساعت کار می توانی طلا بسازی. و این وسوسه ای بس بزرگ است. (...) البته تأثیرات نمایشگاه برگزار کردن هم هست: وقتی دیوارهای بسیاری در اختیار داری و می توانی با کارهایت آن ها را بپوشانی، پس به جای سه اثر، شش اثر اجرا می کنی. (...) و بعد وسوسه ای دیگری پیش می آید: وقتی فروشنده ای تابلوهایت به تو می گوید: " کریستیان، مجموعه دار خیلی خوبی دارم که می خواهد از این دوره ای کاری تو اثری داشته باشد، می توانی برایش بکشی؟" و البته من این کار را می کنم. کار خوبی نیست، اما معمول است».

هنرمند فرانسوی، کریستیان بولتانسکی این حرف ها را در ملاعام اعتراف کرد. کاری که همکاران دیگرش در این حیطه ای هنری به ندرت انجام می دهند.<sup>۱</sup> او در نقش اعتراف کننده جلوی دریچه ای اتاقک اعتراف ظاهر می شود. برخی آن را اشارتی به مسیحیت می دانند، که البته در اثرش هم همین اشارت را می شود دید. این قدرت نامعمول «ضرب سکه»، مرغ های

تخم‌طلا — حالا چه نقاش باشند، چه مجسمه‌ساز یا، به اصطلاح رایج امروز، اهل هنرهای تجسمی — آن‌ها را مجبور می‌کند مراقب تخم‌هایشان باشند. بولتانسکی انگیزه‌هایش را پنهان نمی‌کند، حتی مرادش را هم پنهان نمی‌کند: مرادش همانا «هنرمند بزرگ» بودن است. او می‌گوید: «در واقع پول درآوردن کار آسانی است، اگر قصدمان پولدار شدن باشد: اگر تمام توانات را برای پول درآوردن به کار گیری، پول درمی‌آوری. و من به قدر کفایت هوشمند هستم که پول در بیاورم. اما برخلاف، "هنرمند بزرگ" شدن کار بسیار سختی است. باید بدانی که جاه‌طلبی‌هایت را در کجا به کار گیری (...). و چون من آدم جاه‌طلبی هستم، همیشه خواسته‌ام این کار را بکنم.»

اما این پرسش مطرح می‌شود که «هنرمند بزرگ» بودن چیست؟ این موضوعی است که می‌تواند زمینه‌ای برای کتاب بعدی باشد...

کریستیان بولتانسکی صراحت دارد، زرننگ است، جاه‌طلب است و باهوش. باهوش است، چون وقتی در حال اجرای یک اثر است، بخش بزرگی از اصول یک هنرمند موفق را در کارش خلاصه می‌کند. در این کتاب سیزده نمونه انتخاب کرده‌ام که تاریخ هنر را از دوران رنسانس تا دوران مدرن شامل می‌شود. سیزده بخش برای سیزده هنرمند که می‌توان صفت «بزرگ» را به آن‌ها اعطا کرد و در هنر زمانه‌ی ما در اوج قرار دارند. سیزده روایت از هنر آفرینانی که فقط به دلیل برتر بودن‌شان شناخته شده نیستند، بلکه بیشتر هنرمندانی‌اند که در سال‌های اخیر به دلیل پژوهش‌ها و نمایشگاه‌ها سر زبان‌ها بوده‌اند. به همین دلیل برای نمونه دالی یا پیکابیا را حذف کردم. این پژوهش‌ها و نمایشگاه‌ها به کسانی که اهل موزه رفتن هستند این امکان را می‌دهد که بتوانند آثار مورد بحث را بهتر ببینند.

هر کدام از فصل‌های این کتاب، درست مانند همین پیش‌گفتار با جذبه‌ی یک حقیقت معاصر بررسی شده است. روندی که سعی دارد ایده‌ها را به صورتی دگرگون محقق کند. این ایده‌ها، نه متعلق به اندی وارهول‌اند، نه دمین هرست، نه جف کونز و نه تاکاشی موراگامی... که میل به پول

در آوردن را در اندازه‌ای بس بزرگ به وجود آورده‌اند. روبنس و دیگرانی هم هستند که درس‌هایی برای آن‌ها دارند. آن‌ها هم با استادی تمام طلا ساختن را بلد بودند.

در واقع، این قضیه هنرمندان بسیاری را شامل می‌شود. به این معنا که اگر به تاریخ هنر نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که بسیار کسان بوده‌اند که استعداد کمتری داشته‌اند، اما توانسته‌اند پول بیشتری در بیاورند. بازار هنر در مورد کیفیت اثر داوری نمی‌کند. یک هنرمند ممکن است خوب باشد یا خوب نباشد، موفق شود یا موفق نشود. در این حیظه‌ی حساس که نامش خلاقیت است باز هم بی‌عدالتی کار خودش را می‌کند.

درست از اواخر قرن نوزدهم، پدیده‌ای رماتیک ظهور می‌کند که از خود هنرمند اثر هنری می‌سازد. و این وقتی به اوج خود می‌رسد که زمانه‌اش به او روی خوش نشان نداده باشد و در یک نقاشی برآمده از درد و رنج و بدون مخاطب مظهر شهید غیردینی می‌شود. و این به عبارتی مصلوب شدن به وسیله‌ی بازار هنر است. افسانه‌ای کاتولیک که از نو توسط قلم موی یک نابغه کشیده شده است. و البته بهترین تجسم آن را در ون‌گوگ می‌توان دید. نیل مک‌گرگور، مدیر موزه‌ی بریتانیا، به‌وضوح تشریح می‌کند که چگونه «گل‌های آفتاب‌گردان» که با سادمانی تمام برای استقبال از ورود گوگن کشیده شده‌اند، وقتی از منشور عذاب الیم هنرمند نگریسته می‌شود به کفن عیسا در نقاشی مدرن بدل می‌شود.<sup>۲</sup> ون‌گوگ در سی و هفت سالگی مرد. او نزد یک فروشنده‌ی آثار هنری کار می‌کرد و برادر یک فروشنده‌ی آثار هنری هم بود. نه خودش و نه برادرش، هیچ‌کدام، وقت کافی نداشتند تا استعدادشان را در تجارت تابلو به دیگران نشان بدهند.

لازم است مابین هنرمند نابغه (به معنای ریشه‌شناختی آن) و هنرمند کاملاً مبتذل و معمولی حد و حدود درستی وجود داشته باشد. ونسان دندی، موسیقیدان و آموزگار موسیقی، در یک سخنرانی در سال ۱۹۰۰ در مدرسه‌ی

موسیقی پاریس — اسکولا کانتوروم — از وضعیت متناقض‌نمای هنرمندی می‌گوید که باید احساسش را به صورتی متناقض به کار برد: «در هنر یک بخش "حرفه" وجود دارد که وقتی باور داریم حرفه‌ی هنرمند بودن را پیشه کرده‌ایم، لازم است آن را کاملاً فراگیریم. اما "هنر" وقتی آغاز می‌شود که "حرفه" پایان گرفته باشد.»

از کنایه‌هایی از این دست و از بایگانی‌های فقیری که در دسترس پژوهشگران هنر است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بسیار بوده‌اند هنرمندان بزرگی که تبدیل به موجودات کوچک و حقیری شده‌اند.

و البته، به یقین، حقیرترین‌شان روبنس است که از مکاتباتش چنین استنباط می‌شود که قادر بوده هر وسیله‌ای را به کار گیرد تا هم ثروت و هم شهرتش را روزبه‌روز افزون کند.

اساتید بزرگ دوران رنسانس همه‌شان زیر سایه‌ی حقارت زیسته‌اند. پیش از تیسین، که جذابیت تصاویرش اشخاص ثروتمند و قدرتمند را به خود جذب می‌کرد، نوشته‌های لئوناردو داوینچی باعث شده‌اند که او از عرش به فرش کشیده شود. البته از موضوعات آناتومی و فلسفه و بینش هنری هم در نامه‌ها ذکری آمده، اما این نابغه‌ی دوران، درست مثال یک بقال، در نامه‌هایش از خرج‌های کارگاهش و تمهیدات لازم در مورد پرداخت بدهی‌هایش می‌گوید: «برای گرفتن مزد، باید آثارم را یک‌جا تحویل ندهم و، مثل یک کارمند درست و حسابی، سازوکاری جور کنم تا از ابداعات بیهوده بکاهم.»<sup>۲</sup>

آیا خواندن مکاتبات میکل‌آنژ با خانواده‌اش بیشتر از این نامه‌ها شگفت‌زده‌تان می‌کند؟ جواب: نه. او به پدرش می‌نویسد: «دارم و قتم را تلف می‌کنم. درآمد هم ندارم. خدا کمک‌ام کند.»<sup>۳</sup>

تمام نامه درباره‌ی پول و گلایه‌هایی در ارتباط با درآمدش است.

هنرمندان معروف از این دست بسیارند، که من قصد ندارم نام‌شان را در اینجا ذکر کنم و رابطه‌شان با پول می‌تواند موضوع تحقیق دقیقی شود. به عنوان نمونه: دگا. دگای بزرگ که می‌دانیم پژوهش‌های پیش‌رفته‌ی

تصویریش باعث شده تا کارهایش در دوران مدرنیته ثبت شوند. نامه‌های او به پل دوران-روئل، همان فروشنده‌ی آثار هنری، به‌دور از هر رنگ و لعاب شاعرانه‌اند: «من واکنش تلخی نسبت به هنر دارم. دارم به دوران پیری نزدیک می‌شوم بی‌اینکه هرگز یاد بگیرم چگونه پول دریاورم. شما کار تازه‌ام را به زودی خواهید دید. شب‌به‌ی آخر ماه با چهار هزار فرانک بیایید (۵۰۰ فرانک برای خود من)». ادگار دگا با فروشنده‌ی آثارش با صراحت تمام در مورد تولیداتش طوری حرف می‌زند که انگار «تولیدات»ی از نوع مواد غذایی‌اند: «من قصد دارم در این زمستان شما را آکنده از تولیداتم کنم و شما هم به‌نوبه‌ی خود مرا غرق پول کنید. خیلی عذاب‌آور و تحقیرکننده است که من این جوری دنبال این سکه‌های بی‌مقدار باشم.»<sup>۵</sup>

در ابتدای قرن بیستم، مارسل دوشان، هنرمندی که به‌طور یقین بیشترین تأثیر را بر هنر نیمه‌ی دوم قرن بیستم و ابتدای قرن بیست‌ویکم گذاشت، تصمیم گرفت هرگز به‌خاطر «سکه‌های بی‌مقدار» به‌دنبال تولید هنر نرود. او این وسواس را داشت که «هنرمند نقاش» نباشد. و این را با تحقیر می‌گفت. پس برای چند ماهی با دختری «به معنای واقعی» بی‌ریخت، که دوشان تصور می‌کرد پولدار است، ازدواج کرد. آثار رفیقش برانکوزی را با همدستی هانری پیر روزه، که دیپلمات بود و بعدها نویسنده شد، معامله کرد. پس بر قدرت تخیل‌اش افزود تا تولیدات مشتق از آثار پیشین‌اش را مانند جعبه در چمدان یا نسخه‌های متعدد یا مکرری از آثارش را با همکاری آرتورو شوارتز در دهه‌ی شصت پیدا کند. اما پیش از این هم در نامه‌ی بامزه‌ای که به تاریخ اکتبر ۱۹۲۲ به تریستان تزارای شاعر نوشته بود، گفته بود می‌خواهد مثل یک کیمیاگر طلا تولید کند: «امکان یک پروژه‌ی بزرگ هست که می‌توان از آن پول درآورد. می‌توانیم چهار حرف "دادا" را با فلز و جدا از هم درست کنیم و با یک زنجیر کوچک آن‌ها را به هم وصل کنیم و بعد در اعلانی نه‌چندان بلند (که حدود سه صفحه باشد و به تمام زبان‌ها)، فضایل دادا را برشماریم: یک کلمه‌ی جالب توجه که تمام اهالی شهرهای تمام کشورها آن را در ازای یک دلار و

یا هم‌اندازه‌ی آن به پول کشورشان خریداری کنند. (...) البته می‌دانم که این کار مشاجرات قلمی از سوی داداهای واقعی به راه خواهد انداخت. و البته می‌دانیم که کل این‌ها نتیجه‌ی اقتصادی خوبی را باعث می‌شود (...). باید خوب متوجه‌ی ایده‌ی من شوید. نه خبری از "ادبیات" است و نه از "هنر". فقط نوشدارویی ست جهانی، به عبارتی طلسم خوشبختی.<sup>۶</sup>

دورر و تیسین آرزو داشتند خدایان نقاشی شوند. جامعه‌ی مدرن آن‌ها را به مقام تقدس رساند. اما دوشان به تزارا پیشنهاد کرد هنرمند را به زاهد ارتقا دهد. او با این کارها تفریح می‌کرد و قصد داشت از این تفریح کردنش امتیازی هم کسب کند.

کسانی را که از کارهای مارسل دوشان یا به قول خودش، همان‌طور که خودش برای خودش اسم گذاشته، «فروشنده‌ی نمک»، تنفر دارند حواله می‌دهم به کلام ماکس ژاکوب که گفت: «هنر بازی است. بدا به حال کسی که آن را وظیفه بداند.» و پل لئوتو، در جوابی از نوع رند زاهدنما، نتیجه می‌گیرد که شغل نویسندگی بسیار نزدیک به شغل نقاشی است: «اگر عشق‌بازی مان وظیفه باشد و نویسندگی مان، شغل، از هر دو سو معدوم‌ایم.»

و بر عهده‌ی آفریننده‌ی هنر است که در هر وضعیتی بتواند راه دشوار آزادی را پیدا کند. آزادی آفریدن. یا آزادی از مسائل مالی...



— مگریت: «شما تجارت تابلو می کنید و من از کار خودم زندگی می کنم، هر دوی ما خودمان این شغل را انتخاب کرده ایم. من هم مثل شما دلم می خواهد زیاد بفروشم، اما نه هر چیزی را. واضح است که می توانم با تولید نوعی از نقاشی برای مردم پولدار که سلیقه ندارند، پول زیادی در بیاورم و شما هم می توانید پول بیشتری با فروش این آثار مزخرف به دست آورید. باید تصمیم مان را در این مورد بگیریم: با تجارت هنر کنار بیاییم! اما برای کسب حداکثر نتیجه، هنر را با تجارت قاطی نکنیم...»

### ترجمه های لیلی گلستان با نشر مرکز

بوی درخت گویا و گفت و گو با گابریل گارسیا مارکز    بلینو مندوزا  
 شش یادداشت برای هزاره ی بعدی    ایتالو کالوینو  
 بیگانه    آلبر کامو  
 گزارش یک مرگ    گابریل گارسیا مارکز  
 نیچه    اشتفان تسواایگ  
 محاکمه ی سقراط اوتیفرون، دفاعیه ی سقراط، کریتون    افلاطون  
 درباره ی رنگ ها    لودویگ ویتگنشتاین  
 ✓ نقاش ها همیشه پول دوست داشته اند    جودیت بن هامو - هونه



ISBN: 978-964-213-335-2



9 789642 133352

۱۶۵۰۰ تومان